

تحلیل موضوعی مقاله‌های ادبیات تطبیقی در ایران از ۱۳۳۰ تا ۵۱۳۹۰ ش

نعمت‌الله ایران‌زاده^۱، محمد امامی^۲

۱. دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات فارسی و زبان‌های خارجی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران
۲. کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات فارسی و زبان‌های خارجی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

پذیرش: ۹۴/۴/۱۵

دریافت: ۹۲/۱۱/۶

چکیده

از نخستین پژوهش‌های ادب تطبیقی در ایران به سال ۱۳۳۰ ش تاکنون، مقاله‌های زیادی در پیوند بین آثار ادبی ایران با سایر ملل جهان، نوشته شده است. در تبیین وضعیت و جایگاه مطالعات انجام‌یافته و یافتن موضوعات تازه و آگاهی از آبخورهای فرهنگی و زمینه‌های شکل‌گیری آثار ادبی و آگاهی از سهم اثرگذاری و اثرپذیری و مشابهت و همسانی بین مفاهیم ادبی آثار، پژوهش‌های جامعی انجام گرفته است که در این جستار به تحلیل موضوعی مقاله‌های ادب تطبیقی در ایران پرداخته می‌شود. این پژوهش نشان می‌دهد در چه ساحت‌ها و زمینه‌هایی با فراوانی مقاله‌ها و یا تکرار مطالب مواجهیم و در چه زمینه‌ها و موضوعاتی می‌توان پژوهش‌های تازه انجام داد.

واژگان کلیدی: ادبیات تطبیقی، تاریخ ادبیات معاصر ایران، تحلیل انتقادی، موضوع، مقاله.

فصل نامه علمی - پژوهشی پژوهش‌های ادبیات تطبیقی
دوره ۴، شماره ۱، بهار ۱۳۹۵، صص ۲۵ - ۴۵

E-mail: iranzadeh@atu.ac.ir

* نویسنده مسئول مقاله:



۱. مقدمه

درباره مفهوم ادبیات تطبیقی و کلیت آن، پژوهش‌های گوناگونی صورت گرفته است، اما در گستره مرجع‌شناسی و کتاب‌شناسی ادبیات تطبیقی جای بسیاری از مطالعات بنیادی خالی است. نگارندگان همواره بر این باور بوده‌اند که شناسایی، معرفی و بررسی آثار و پژوهش‌هایی که در پیوند با موضوعات تطبیقی پدید آمده‌اند، ضرورت و اهمیت بسیار دارد؛ کاری که پژوهشگران را یاری دهد تا بتوانند تصویری روشن از پژوهش‌های انجام‌شده در پیوند با موضوعات تطبیقی به دست آورند و از تحقیقات تکراری، موازی و غیر ضروری بپرهیزند. در این جستار- با ارائه جدول‌ها و نمودارهای «زمانی» و «موضوعی»- به ارائه اطلاعات و موضوعات مقاله‌هایی در باب ادب تطبیقی پرداخته شده است که در مجموعه مقالات، همایش‌ها، سمینارها و مقاله‌های موجود در مجله‌های علمی- پژوهشی، علمی- ترویجی و مروری از سال ۱۳۳۰ تا پایان سال ۱۳۹۰ هجری شمسی در ایران منتشر شده است.

۲. پیشینه تحقیق

تاکنون مقاله‌ها و پژوهش‌های بسیاری اعم از کتاب، مقاله و پایان‌نامه درباره سیر ادبیات تطبیقی در ایران نوشته شده است که از آن جمله می‌توان به مقاله‌ها و پژوهش‌های زیر اشاره کرد:

۱. منصور پیرانی (۱۳۸۴)، *سیر ادبیات تطبیقی در ایران*، رساله دکتری رشته زبان و ادبیات فارسی، به راهنمایی سیروس شمیسا، دانشکده ادبیات و زبان‌های خارجی دانشگاه علامه طباطبایی.

۲. مجید صالح‌بک و هادی نظری منظم (۱۳۸۷)، «ادبیات تطبیقی؛ پیدایش و چالش‌ها»، *مجله زبان و ادب (دانشگاه علامه طباطبایی)*، شماره ۳۸.

۳. ویدا بزرگ‌چمی (۱۳۸۷)، «کلیت ادبیات تطبیقی»، *مجله نامه انجمن*، شماره ۳۰.

۴. علیرضا انوشیروانی (۱۳۸۹)، «چالش‌های ادبیات تطبیقی در ایران»، ویژه‌نامه ادبیات تطبیقی، دوره اول، شماره دوم.

در تمام مقاله‌ها و پژوهش‌های یادشده، دو موضوع مهم بررسی شده است: ۱. پیشینه پیدایش ادبیات تطبیقی در اروپا و آمریکا ۲. سیر ادبیات تطبیقی و پیدایش آن در ایران. در بخش نخست، از نام‌آوران این عرصه سخن رفته است و مبانی و تئوری‌های نظری آن‌ها با تکیه بر دو مکتب مهم فرانسوی و آمریکایی ادبیات تطبیقی مورد بررسی و ارزیابی قرار داده شده است. در بخش دوم به سیر تاریخی پیدایش ادب تطبیقی در ایران، به صورت کلی و گاه موردی، سخن رفته است و به آثار مهم در موضوع ادبیات تطبیقی، اشاراتی شده است.

آنچه در این مقاله بدان پرداخته‌ایم، بررسی سیر موضوعات مقاله‌های تطبیقی از سال ۱۳۳۰ تا پایان سال ۱۳۹۰ هجری شمسی است.

۲-۱. بررسی و تحلیل سیر مطالعات تطبیقی در ایران

در نگاهی کلی به آثاری که در ایران در پیوند با موضوعات تطبیقی پدید آمده است، نقطه آغاز پژوهش در باب ادبیات تطبیقی را رسماً با تألیف کتاب *ادبیات تطبیقی* جمشید بهنام در سال ۱۳۳۲ ه.ش می‌توان در نظر گرفت. هرچند پیش از این تاریخ نیز مقاله‌ها و پژوهش‌هایی - که در حیطه ادبیات تطبیقی بگنجد - نوشته شده است، ولی همه به بیان اصول عملی ادبیات تطبیقی پرداخته‌اند و از طرح نظریه‌های این رشته دوری جسته‌اند. در سال ۱۳۱۷ کرسی ادبیات تطبیقی (= سنجش ادبیات) در دانشگاه تهران تأسیس شد؛ اما پس از مدت کوتاهی کلاس‌های درس ادبیات تطبیقی به دلیل نبود متخصص ادبیات تطبیقی به دستور رئیس وقت دانشگاه تهران تعطیل شد. چندسال بعد دوباره تدریس ادبیات تطبیقی در مقطع کارشناسی ارشد در دانشگاه مزبور آغاز گردید و دستاورد نسبتاً خوبی نیز داشت. از استادان این رشته در آن زمان می‌توان به عبدالحسین زرین‌کوب، محمد محیط طباطبایی و محمدتقی غیاثی



اشاره کرد که با راهنمایی این استادان چندین رساله نیز دفاع شد که از آن جمله می‌توان به رساله کیومرث صابری (گل آقا) با موضوع آغاز آشنایی ایرانیان با زبان فرانسه در سال ۱۳۵۷ اشاره کرد. پس از این دوره، ادبیات تطبیقی به صورت پراکنده به حیات خود ادامه داد و محققانی چون مجتبی مینوی، ابوالحسن نجفی، حسن هنرمندی، علی‌اکبر خان محمدی، محمدعلی اسلامی ندوشن، محمدرضا شفیعی کدکنی، کوکب صفاری، جواد حدیدی، جلال ستاری، مهدی محقق، صالح حسینی و دیگران در پژوهش‌ها و آثار خود، علاقه خود را به ادبیات تطبیقی نشان دادند. در ادامه این مقاله، سیر پژوهش‌های ادب تطبیقی را که در دهه‌های مختلف نوشته شده‌اند، در قالب نمودارهای «زمانی» و «موضوعی» مورد نقد و بررسی قرار داده‌ایم.

۳. تحلیل داده‌ها

۳-۱. بررسی و تحلیل سیر مقاله‌های ادبیات تطبیقی

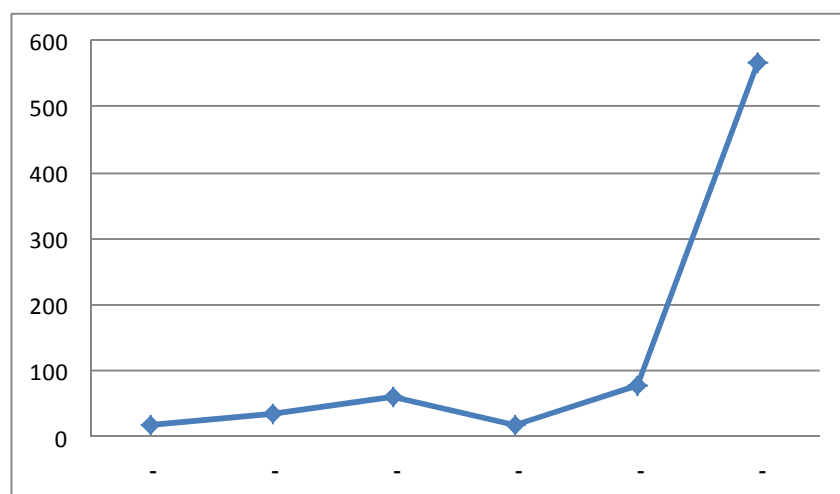
مقاله‌های ادبیات تطبیقی را می‌توان از دیدگاه‌های گوناگونی بررسی کرد. در این بخش، مقاله‌ها از دیدگاه «زمانی» و «موضوعی» بررسی می‌شوند:

۳-۱-۱. بررسی مقاله‌ها از دیدگاه زمانی:

۳-۱-۱-۱. توزیع زمانی مقاله‌ها

نمودار ۱. توزیع زمانی مقاله‌ها

درصد	تعداد مقاله	زمان
۲	۱۶	۱۳۴۰-۱۳۳۰
۴	۳۳	۱۳۵۰-۱۳۴۱
۸	۶۰	۱۳۶۰-۱۳۵۱
۲	۱۸	۱۳۷۰-۱۳۶۱
۱۰	۷۶	۱۳۸۰-۱۳۷۱
۷۴	۵۶۷	۱۳۹۰-۱۳۸۱
۷۷۰	کل مقاله‌ها	



نمودار ۲. توزیع زمانی مقاله

این نمودار توزیع زمانی مقاله‌ها از آغاز سال ۱۳۳۰ تا پایان سال ۱۳۹۰ شمسی را در هر ده سال نشان می‌دهد. نمودار حاضر نشان می‌دهد که در سه دهه اول، تعداد اندکی مقاله در پیوند با موضوعات تطبیقی به زبان فارسی منتشر شده است. بدیهی است که در این چند دهه، ادبیات تطبیقی در ایران در آغاز راه بود و هنوز تحقیقات پرشماری در این باره انجام نشده بود. یکی از نکات قابل تأمل در مقاله‌های دهه سوم و چهارم، پژوهش‌هایی است که در باب تطبیق *شاهنامه* فردوسی با دیگر حماسه‌های جهان نوشته شده است. سنجش فردوسی با هومر چه از دید اندیشمندان ایرانی [و چه اندیشمندان غیر ایرانی] امری طبیعی بود. ادبیات حماسی در جهان محدود است و در این میان، تنها آثار فردوسی و ویرژیل با آثار هومر قابل مقایسه‌اند و شاید نیز *مهابهاراتا* [در موضع قیاس قرار گیرد] که البته این حماسه عامیانه است (نک. یوحنا، ۱۳۸۵: ۵۷). برخی نمونه این مقاله‌ها عبارت‌اند از: «شاهنامه و ایلیاد» (۱۳۲۹)،



«دو داستان؛ همانند داستان قدیم فرانسوی و رستم و اسفندیار فردوسی» (۱۳۴۶) هر دو مقاله از عبدالحسین زرین‌کوب، «فردوسی و هومر» از محمدعلی اسلامی ندوشن، «شاهنامه فردوسی و ابلیاس امیروس» از نصرالله فلسفی و «فردوسی و ایلپاد» از امین عبدالمجید بدوی.

در دهه‌های بعدی نیز این روند ادامه پیدا می‌کند و همچنان شباهت زیاد شخصیت‌های شاهنامه و منظومه‌های حماسی یونان، ایلپاد و اودیسه، دست‌مایه خلق مقاله‌های زیاد دیگری می‌شود.

موضوع عمده دیگر، مقاله‌هایی است که در تطبیق رستم و سهراب فردوسی با سهراب و رستم ماتیو آرنولد، شاعر و اندیشمند انگلیسی، صورت گرفته است. انگیزه و مأخذ عمده آرنولد در سرودن منظومه «سهراب و رستم» مقاله نقاد نامی فرانسوی، سنت بوو^۱ بود که به مناسبت انتشار شاهنامه ترجمه ژول مول^۲ نوشته بود (نک. آرنولد، ۱۳۵۴: ۱۴). همین امر باعث شد تا در این دهه نویسندگانی در باب این تأثیرپذیری مقالاتی بنویسند؛ نمونه‌ای از این مقاله‌ها عبارت است از: «ملاحظات چند در باب سهراب و رستم اثر ماتیو آرنولد» (۱۳۳۲) از عبدالحسین زرین‌کوب و «ماتیو آرنولد» (۱۳۵۰) از حسن موقر بالیوزی. عمده مطالب این مقاله‌ها در بیان تأثیر ترجمه‌های شاهنامه فردوسی و سیر آشنایی شاعران فرنگی با قسمت‌های مختلف شاهنامه می‌باشد. این نکته باعث تکراری شدن موضوعات بسیاری از مقاله‌های این دوره شده است و تکیه بیش از حد به برخی از مطالب و شخصیت‌های شاهنامه باعث یکنواختی محتوای مقاله‌های این دوره شده است.

پس از این‌که فاطمه سیاح مقدمات برپایی کرسی ادبیات تطبیقی را در دانشگاه تهران پی‌ریزی کرد، جمشید بهنام در سال ۱۳۳۲ کتابی با عنوان ادبیات تطبیقی نوشت و کم‌کم زمینه برای نیل به تحقیقات گسترده و بنیادی آماده شد. کاری که مجتبی مینوی در مورد نمایش‌نامه «تاجر ونیزی» شکسپیر انجام داده است،

نمونه‌ای از یک پژوهش تطبیقی در این دوره است (نک. مینوی، ۱۳۳۳: ۲۳۸-۱۴۰). خوشبختانه در سال‌های قبل از دهه پنجم، مقاله‌هایی نیز منتشر شدند که به‌ویژه به تطبیق ادبیات ایران و اروپا می‌پرداختند. مقالات و مجموعه پژوهش‌های تطبیقی مجتبی مینوی که به گسترش این علم در فضای ادبی آن روزگار می‌پردازد، در جایگاه یکی از مؤثرترین محققان ایرانی در این عرصه است و مقاله عبدالحسین زرین‌کوب با عنوان «گوته و ادبیات ایران» که به بررسی دیوان شرقی و تأثیرات ادب فارسی بر آن پرداخته است، در رشد و گسترش این علم در دهه ذکرشده نقش بسزایی داشت (بزرگ‌چمی، ۱۳۸۷: ۱۵۱). اسلامی ندوشن نیز در سال‌های بین ۱۳۴۰ تا ۱۳۵۵ مقاله‌ای سه بخشی با عنوان «تولستوی، مولوی دوران جدید» را در مجله یغما به چاپ می‌رساند. نویسنده در این مقاله هرچند دلیل منطقی و آشکاری بر تأثیرپذیری تولستوی از مولانا ارائه نمی‌کند، ولی از باب موازنه و مقایسه پیوستگی‌های جهان‌اندیشگی این دو اندیشمند و دسته‌بندی جوهرهای فکری مشترک، دارای ارزش و اهمیت است. در سال ۱۳۵۱ ابوالحسن نجفی- که خود از پیشروان ادبیات تطبیقی در ایران است- با انتشار مقاله «ادبیات تطبیقی چیست؟» برگ تازه‌ای به کارنامه ادبیات تطبیقی افزود. نجفی ضمن بیان ماهیت این رشته نوپای ادبی، به بیان اصول مقدماتی و تعیین حد و مرز آن مبادرت نمود و اولین مقاله انتقادی را در حوزه ادب تطبیقی نگاشت. وی ضعف پژوهش‌های این دوره را این‌طور بیان می‌کند:

متأسفانه در این دهه با همه اشرف و تسلطی که استادان ما در شناخت ادبیات کشورهای مختلف داشتند عملاً هیچ منبع و کتابی وجود نداشت که دانشجوی و طالب این علم بتواند به آن مراجعه کند و عمده پژوهش‌ها، به کاربرد عملی اصول پرداخته و از طرح نظری اصول اجتناب کرده‌اند (نجفی، ۱۳۵۰: ۴۳۵).



همچنین شمیسا در مقدمه کتاب تأثیر شعر عربی بر تکامل شعر فارسی اثر محمد عمر داودپوتا بر این سخن ابوالحسن نجفی صحنه نهاده است (نک. داودپوتا، ۱۳۸۲: مقدمه).

دهه ششم (۱۳۵۱-۱۳۶۰): یکی از محققانی که در آغاز این دهه و همچنین در سال‌های بعد نیز به‌طور جدی به موضوع ادبیات تطبیقی پرداخت، جواد حدیدی است. وی که دارای مدرک دکتری ادبیات فرانسه بود در رشد و گسترش این رشته، نقش بسزایی داشته است. اوج هنر حدیدی در ادبیات تطبیقی را می‌توان در مقاله وی با عنوان «شیوه‌های پژوهش در ادبیات تطبیقی» بازجست^۲. حدیدی یکی از پرکارترین نویسندگان این دهه است که با نوشتن پانزده مقاله در باب ادبیات تطبیقی سهم چشمگیری در مطالعات تطبیقی این دوره دارد. مقاله‌های ذیل محصول پژوهش‌های حدیدی در این دوره‌اند: «در گلستان سعدی» (۱۳۵۰)، «شاعران ایرانی در نمایش‌نامه‌های فرانسوی» (۱۳۵۱)، «ادبیات تطبیقی، پیدایش و گسترش آن» (۱۳۵۱)، «شب‌های ایرانی (۱)» (۱۳۵۴)، «حافظ در ادبیات فرانسه» (۱۳۵۵)، «فردوسی در ادبیات فرانسه» (۱۳۵۷). وی همچنین با تیزبینی و دقت زیاد، مقاله‌ای سه‌بخشی با عنوان «خیام در ادبیات فرانسه» (۱۳۵۲) نوشت. در این مقاله بلند به خوبی تأثیر خیام بر ادبیات فرانسه بررسی شده است، به‌ویژه که در این مقاله هم تأثیرات مستقیم و هم تأثیرات غیر مستقیم به‌زیبایی نمایانده شده است؛ همچنین آشنایی نویسنده مقاله با خیام و رباعیات او نگاه واقع‌بینانه او به شعر و اندیشه خیام، با استنادهای استوار بر ارزش علمی و غنای او افزوده است (نک. حسن‌لی و حسام‌پور، ۱۳۸۸: ۱۰۷).

به جز حدیدی نویسندگان دیگری نیز در این دهه به موضوعات تطبیقی به‌ویژه در تطبیق ادب فارسی و عربی علاقه نشان دادند و مقاله‌هایی نیز در این باب نوشتند که عبارت‌اند از: «ایوان مداین از دیدگاه دو شاعر نامی تازی و پارسی: بحتری و خاقانی» نوشته سیدامیر محمود انوار (۱۳۵۳) [بعدها در سال ۱۳۸۳

کتابی با همین عنوان به چاپ رسید. «واژه‌های فارسی در زبان تازی» نوشته خدامراد مرادیان (۱۳۵۴)، «مشابهات صور خیال در شعر فارسی و عربی» نوشته محمدرضا شفیعی کدکنی (۱۳۵۰).

دهه هفتم (۱۳۶۱-۱۳۷۰): رشد کیفی جریان مطالعات تطبیقی چنان‌که در دهه پنجم شروع شده بود، ادامه نیافت. شاید تعطیلی دانشگاه‌ها و جنگ تحمیلی هشت‌ساله در این موضوع بی‌تأثیر نبوده باشد. همچنین دلیل موجّه دیگر شاید این باشد که هنوز فضای دانشگاهی و دانشجویان برای این امر آماده نشده بود و تا تربیت شاگردان و سوق دادن آن‌ها به سوی ادبیات تطبیقی به یک دهه زمان نیاز داشت. به هر حال هر دلیل دیگری که داشته باشد، در این دهه مطالعات تطبیقی کاملاً افول می‌کند. نکته حائز اهمیت این دوره این است که همانند آغاز دهه پنجم، مقاله‌هایی در تعریف و چیستی ادبیات تطبیقی نوشته شد. آیت‌الله‌زاده شیرازی با مقاله «ادبیات تطبیقی: موضوع و تعاریف آن» (۱۳۶۲) همانند مقاله ابوالحسن نجفی به تعریف و زمینه‌های پژوهش در این رشته می‌پردازد. وی یکی از انگیزه‌های خود را در نوشتن این مقاله این‌طور بیان می‌کند:

تاکنون در بررسی‌هایی که از سوی محققان ما در تحدید و بیان مفهوم ادبیات تطبیقی به انجام رسیده است، اشتباهات فراوان رخ داده است؛ همچنین در نشأت این دانش خطاهای بسیاری به وقوع پیوسته است که نحوه تحقیق در این علم را دچار لغزش ساخته است و به بسیاری از پژوهشگران در این زمینه، حالت انصراف دست داده است و مردم را در سودمندی این دانش به گمراهی کشانده است (آیت‌الله‌زاده شیرازی، ۱۳۶۲: ۸۷).

این مقاله که تحت تأثیر ترجمه کتاب *الأدب المقارن* محمد غنیمی هلال قرار گرفته، به زعم نویسنده آن کوششی است برای شناساندن ارزش و اهمیت ادبیات تطبیقی در ایجاد تقارب و تفاهم در میان ملل مختلف و اثبات وجوه مشترک فکری و ذوقی در مواریت فرهنگی بشری (نک. همان: ۸۵). چند سال بعد از چاپ این



مقاله، یعنی در سال ۱۳۷۳ کتاب *الأدب المقارن غنیمی هلال* از سوی آیت‌الله‌زاده شیرازی ترجمه شد.

همچنین از مقاله‌های معدود این دوره می‌توان به این مقاله‌ها اشاره کرد: ابوالقاسم حبیب‌اللهی در مقاله «مضامین مشترک در ادب فارسی و عربی یا ترجمه شعر به شعر» (۱۳۶۳)، به زمینه‌های مشترک در شعر فارسی و عربی می‌پردازد. الرحمان منیب نیز با مقاله «تأثیرات ادبی غرب در شعر نوین ایران» به جنبه‌های تأثیرپذیری ادبیات معاصر ایران از ادبیات غربی می‌پردازد.

دهه هشتم (۱۳۷۱-۱۳۸۰): کارنامه ادبیات تطبیقی به نسبت چنددهه گذشته پر بار می‌شود؛ به گونه‌ای که ۸۵ مقاله منتشر می‌شود. در این دوره پژوهشگران از پرداختن به بیان اصول مقدماتی و کلیات ادبیات تطبیقی گذر کرده‌اند و تقریباً بیشتر مقاله‌های این دوره در بیان اصول عملی و کاربردی ادبیات تطبیقی است. ذکر تمام مقاله‌ها در این بخش امکان‌پذیر نیست؛ اما برای آشنایی با سیر تغییرات در موضوعات مقاله‌های این دوره، به چند مقاله اشاره می‌کنیم: «داستان‌های هندی در ادبیات فارسی» از فتح‌الله مجتبایی (۱۳۷۰)، «فردوسی، ولف، نوشین» نوشته بنفشه حجازی (۱۳۷۱)، «پژوهش در مقایسه افسانه‌های عامیانه ملل با قصه‌های ایرانی» نوشته محمود ظریفیان (۱۳۷۱)، «مراکز انتقال فرهنگ اروپایی در ادبیات معاصر ایران» نوشته محمود بشیری (۱۳۷۲)، «اثر ادبیات فرانسه در فارسی» نوشته حسن مقدم (۱۳۷۲)، «تأثیر قابوسنامه در اشعار گوتته» نوشته جهانگیر فکری ارشاد (۱۳۷۴)، ادوارد فیتزجرالد و ادبیات فارسی» نوشته پروین لؤلویی (۱۳۷۴)، «اسطوره‌الگوی ایرانی: تریستان و ایزوت» از جلال ستاری (۱۳۷۷) و «سیطره معنوی مولانا در جهان غرب» نوشته علی دهباشی (۱۳۷۸).

با نگاهی کلی به موضوع مقاله‌های یادشده، به روشنی می‌توان دریافت که نویسندگان این دوره کوشیده‌اند با نگاهی تازه‌تر به مطالعات تطبیقی بپردازند. عمده تلاش محققان در این دوره به بازشناخت تأثیر شاعران طراز اول ایران

همچون فردوسی، خیام و مولانا بر ذهن و زبان اندیشمندان دیگر کشورها معطوف شده است.

دهه نهم (۱۳۸۱-۱۳۹۰): در این دهه شاهد رشد کمی و کیفی ادبیات تطبیقی هستیم. از میان ۷۵۰ مقاله، ۵۵۰ مقاله متعلق به این دهه است که در مقایسه با چند دهه گذشته کاملاً متمایز است. مهم‌ترین دلایل اقبال روزافزون تحقیقات تطبیقی در دهه اخیر را می‌توان در موارد زیر بازجست:

۱. برگزاری دو همایش ادبیات تطبیقی در سال‌های ۱۳۸۱ و ۱۳۸۵ به همت دانشکده زبان‌های خارجی دانشگاه تهران؛
۲. برگزاری کنگره ملی ادبیات تطبیقی به همت دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران؛
۳. برگزاری همایش بین‌المللی ادبیات تطبیقی به همت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در سال ۱۳۸۵؛
۴. برگزاری پنجمین هم‌اندیشی تعامل ادبی ایران و جهان؛ ادبیات تطبیقی، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی با همکاری مرکز گسترش زبان و ادبیات فارسی در اردیبهشت ۱۳۸۶؛
۵. تأسیس رشته ادبیات تطبیقی در مقطع کارشناسی ارشد در دانشگاه‌های شهید باهنر کرمان، فردوسی مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد جیرفت و علامه طباطبایی تهران؛
۶. انتشار مجله‌های مستقل ادبیات تطبیقی به همت دانشگاه آزاد واحد جیرفت (مطالعات تطبیقی، بهار ۱۳۸۶)، دانشگاه شهید باهنر کرمان (فصلنامه ادبیات تطبیقی، پاییز ۱۳۸۸)، فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی (ویژه‌نامه ادبیات تطبیقی، بهار ۱۳۸۹)، دانشگاه تربیت مدرس (نقد و ادبیات تطبیقی، ۱۳۹۰) و انتشار ویژه‌نامه‌های ادبیات تطبیقی از سوی دانشگاه‌های تهران و علامه طباطبایی؛



۷. برگزاری نشست‌های تخصصی ادبیات تطبیقی در مراکز ادبی و محافل علمی سراسر کشور.

افزون بر عواملی که در بالا برشمردیم، نباید از نقش ویژه فرهنگستان زبان و ادب فارسی در استقرار و تثبیت و گسترش این رشته غافل بود. گروه تازه‌تأسیس ادبیات تطبیقی فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی با انتشار چندین شماره از ویژه‌نامه ادبیات تطبیقی، فضای ویژه‌ای را در میان دوستداران ادبیات تطبیقی به وجود آورد. کافی است نگاهی گذرا به نخستین شماره‌های این ویژه‌نامه ببندازیم. ۱. «ضرورت ادبیات تطبیقی در ایران»؛ ۲. «چالش‌های ادبیات تطبیقی در ایران»؛ ۳. «آسیب‌شناسی ادبیات تطبیقی در ایران».

مقاله اول به جلب توجه سیاست‌گذاران ادبی و هنری کشور به ضرورت توسعه این شاخه از دانش بشری در ایران اشاره می‌کند و دلیل عدم گسترش علمی آن در ایران را نبود تعریف جامعی از اصطلاح «ادبیات تطبیقی» و کج‌فهمی‌های به‌وجودآمده بیان می‌کند (انوشیروانی، ۱۳۸۹ ج: ۶). مقاله دوم افزون بر مشکلات و موانعی که در سطح جهانی با این رشته روبه‌روست، جایگاه این رشته را در ایران به چالش می‌کشد و با طرح این پرسش که چرا ادبیات تطبیقی در ایران رشد کافی نداشته است، به دلایل تزلزل این رشته اشاره می‌کند (همو، ۱۳۸۹ الف: ۳). در مقاله سوم نویسنده بر آن است که نشان دهد چرا در ایران، با وجود تمامی تلاش‌ها، ادبیات تطبیقی تا به حال نتوانسته جایگاه علمی درخور توجهی در فضای دانشگاهی پیدا کند (همو، ۱۳۸۹ ب: ۳۵).

گروه یاد شده در کنار مباحث عملی و کاربردی که در مقاله‌های خود ارائه می‌دهد، برای اولین بار به مباحث نظری و روش‌شناسی ادبیات تطبیقی - که از اصول بنیادی برای شناساندن این شاخه از علوم ادبی است - نیز مبادرت کرده است؛ همچنین معرفی کتاب‌های ادبیات تطبیقی باعث شده است که این مجله به یک جُنک ادبیات تطبیقی تبدیل شود که در نوع خود کم‌نظیر است.

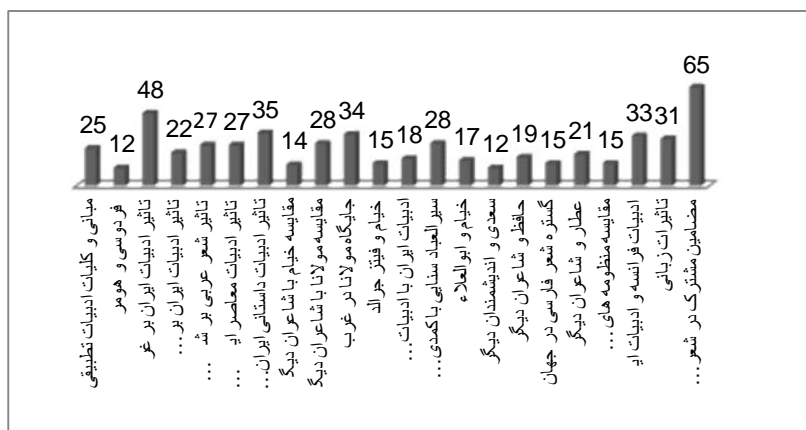
۲-۱-۳. بررسی مقاله‌ها از دیدگاه موضوعی:

نمودار ۳. توزیع موضوعی مقاله‌ها

موضوع مقاله	تعداد	درصد
۱. مبانی و کلیات ادبیات تطبیقی	۲۵	۵
۲. فردوسی و هومر	۱۲	۲
۳. تأثیر ادبیات ایران بر ادبیات غرب	۴۸	۹
۴. تأثیر ادبیات ایران بر ادبیات عرب	۲۲	۴
۵. تأثیر شعر عربی در شعر فارسی	۲۷	۵
۶. تأثیر ادبیات معاصر ایران از ادبیات غرب	۳۵	۷
۷. تأثیر ادبیات داستانی نوین ایران از شیوه داستان‌نویسی غربی	۱۴	۳
۸. مقایسه خیام با شاعران و اندیشمندان دیگر	۲۸	۵
۹. مقایسه شعر و اندیشه مولانا با شاعران و اندیشمندان دیگر	۳۴	۶
۱۰. جایگاه مولانا و نفوذ وی در غرب	۱۵	۳
۱۱. خیام و فیتزجرالد	۱۸	۳
۱۲. مقایسه ادبیات ایران با ادبیات دیگر کشورها	۲۸	۵
۱۳. مقایسه سیرالعیاد سنایی با کمدی الهی دانته و رساله الغفران	۱۷	۳
۱۴. خیام و ابوالعلاء معری	۱۲	۲
۱۵. مقایسه سعدی با شاعران و اندیشمندان دیگر	۱۹	۴
۱۶. حافظ و اندیشمندان و شاعران دیگر	۱۵	۳
۱۷. گستره شعر فارسی در انگلستان و آمریکا	۲۱	۳
۱۸. مقایسه عطار با شاعران و اندیشمندان دیگر	۱۵	۴
۱۹. مقایسه منظومه‌های حماسی فارسی با منظومه‌های حماسی دیگر کشورها	۲۳	۳
۲۰. تأثیر ادبیات فارسی بر ادبیات فرانسه	۱۴	۶
۲۱. موازنه و مقایسه شاعران و نویسندگان کشورهای مختلف	۶۵	۱۲
۲۲. تأثیرات زبانی	۳۱	۶



نمودار ۴. توزیع موضوعی مقاله‌ها



همان‌طور که نمودار نشان می‌دهد، فراوانی موضوعات در بخش‌های مختلف تقریباً یکسان است. در ستون اول ۲۵ مقاله در موضوع مبانی و کلیت ادبیات تطبیقی نوشته شده است که بیشتر این مقاله‌ها از محتوای یکسانی برخوردارند و در بحث‌های خود عموماً به کتاب *ادبیات تطبیقی* نوشته محمد غنیمی هلال، استاد برجسته ادبیات تطبیقی عرب، استناد می‌کنند؛ برای نمونه می‌توان به این مقاله‌ها اشاره کرد که محتوایی کاملاً شبیه به هم دارند:

«ادبیات تطبیقی چیست؟» (۱۳۵۰)، «ادبیات تطبیقی، پیدایش و گسترش آن» (۱۳۵۱)، «ادبیات مقایسه‌ای چیست؟» (۱۳۵۵)، «ادبیات تطبیقی، موضوع و تعاریف آن» (۱۳۶۳)، «ادبیات تطبیقی و مفهوم امروزی آن» (۱۳۸۴)، «ادبیات تطبیقی و پیشینه پیدایش آن» (۱۳۸۶)، «ادبیات تطبیقی و قلمرو آن» (۱۳۸۷)، «کلیت ادبیات تطبیقی» (۱۳۸۷)، «ادبیات تطبیقی در ایران، پیدایش و چالش‌ها» (۱۳۸۷)، «ادبیات تطبیقی: تعریف و زمینه‌های پژوهش» (۱۳۸۹).

از نکات دیگر این نمودار این است که بیشترین حجم مقاله‌ها مربوط به شاعران نامی شعر فارسی است. شهرت و جذابیت عالمگیر شاعرانی همچون فردوسی، خیام، عطار، سنایی، سعدی، حافظ و مولانا سبب شده است تا تحقیقات تطبیقی فراوانی پیرامون آثار آنان با شاعران و اندیشمندان غربی صورت بگیرد. از این میان شهرت فردوسی، خیام و مولانا ظاهراً بیش از دیگر شاعران است. بسیاری از شرق‌شناسان از فردوسی با عنوان «هومر

ایران» یا «هومر مشرق‌زمین» یاد می‌کنند. این شیوه یادکرد از فردوسی در آثار کسانی چون سر ویلیام اوزلی (۱۷۶۷-۱۸۴۹)، اتکینسن (۱۷۸۰-۱۸۴۷) و دیگران بسیار شایع است (نک. امیدسالار، ۱۳۸۷: ۲۳). درباره فردوسی بیشتر مقاله‌ها در مقایسه شاهنامه با حماسه‌های یونان، از جمله *ایلیاد* و *اودیسه* هومر و *ایلیاس* از امیروس است. شاید اولین کسی که شباهت فردوسی و هومر را مطرح کرد، سیر ویلیام جونز (۱۷۴۶-۱۷۹۴) باشد که او را به حق پدر و پایه‌گذار زبان‌شناسی تطبیقی هندواروپایی می‌خوانند (نک. همان). از میان اندیشمندان ایرانی، کامران جمالی در کتاب *فردوسی و هومر و محمدعلی اسلامی ندوشن در کتاب‌های زندگی و مرگ پهلوانان در شاهنامه، جام جهان‌بین و آواها و ایماها*، ذبیح‌الله صفا در کتاب *حماسه‌سرایی در ایران* به وجود این شباهت‌ها در تحقیقات خود اشاره کرده‌اند.^۱ اسلامی ندوشن در کتاب *زندگی و مرگ پهلوانان در شاهنامه* می‌نویسد: «جنگ رستم با دیو سفید یادآور نبرد اولیس با پولیفم دیو است» (اسلامی ندوشن، ۱۳۴۹: ۳۱۹). شکی نیست که چنین شباهت‌هایی در ادب حماسی موجود است، اما وجود شباهت دلیل بر خویشاوندی نیست؛ چنان‌که اشخاصی هم که از نظر صوری به یکدیگر شباهت دارند، الزاماً خویشاوند نیستند. نصرالله فلسفی در مقاله خود با عنوان «شاهنامه فردوسی و ایلیاس امیروس» به دشواری‌های این تطبیق اشاره کرده است.^۲ تکیه بیش از حد به برخی موضوعات و شخصیت‌های شعر فارسی باعث به وجود آمدن پژوهش‌های تکراری شده است. برای نمونه درباره ارتباط میان خیام و ابوالعلاء معری و جنبه‌های تأثیرپذیری و مقایسه جهان‌اندیشگی این دو، مقاله‌های همانندی نوشته شده است که به چند مورد از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

۱. «ابوالعلاء معری و عمر خیام»، از عمر فروخ (۱۳۵۶)؛
۲. «مقایسه بین ابوالعلاء معری و خیام»، از محمد فاضلی (۱۳۵۶)؛
۳. نگاهی به دو زندیق؛ خیام و ابوالعلاء از فردین شیروانی و حسن شایگان (۱۳۵۶)؛
۴. «آیا خیام و ابوالعلاء زندیق بودند؟»، از جعفر آقایان چاووشی (۱۳۵۶)؛
۵. «دو عصیان‌گر عالم‌سوز؛ خیام و ابوالعلاء»، از عبدالحسین فرزاد (۱۳۵۸)؛
۶. «خیام و ابوالعلاء معری»، از عبدالحسین فرزاد (۱۳۷۹)؛
۷. «بررسی تطبیقی افکار و عقاید ابوالعلاء و خیام»، از لیلا امینی و فضل‌الله میرقادری (۱۳۸۸).



مطلب مهم در مقاله‌های یادشده، چگونگی ارتباط میان خیام و ابوالعلاء، تأثیرگذاری ابوالعلاء یا بی‌تأثیربودن اندیشه‌های ابوالعلاء بر خیام، تأکید بر وجود نوعی توارد اندیشه میان این دو اندیشمند و کشف شباهت‌ها و تفاوت‌های شیوه تفکرات خیام و ابوالعلاء است (نک. حسن‌لی و حسام‌پور، ۱۳۸۸: ۱۱۳).

همچنین در رابطه با خیام و نقش ترجمه‌های فیتزجرالد در شهرت جهانی خیام، مقاله‌هایی فراوان و با محتوایی یکسان و مشابه نوشته شده است:

۱. «خیام و فیتزجرالد»، از حسین خطیبی؛
۲. «علل شهرت خیام در مغرب‌زمین»، از عیسی صدیق اعلم؛
۳. «عمر خیام؛ شعرای ایران و مترجمین انگلیسی ایشان»، از آرتور جان آربری؛
۴. «فیتزجرالد، مترجم خیام یا خیام انگلستان»، از منوچهر بیات مختاری؛
۵. «خیام شاعر و ترجمان انگلیسی او»، از حسن شهباز؛
۶. «خیام و فیتزجرالد»، از کاظم شرکت؛
۷. «ادوارد فیتزجرالد و ادبیات فارسی»، از پروین لؤلویی؛
۸. «نگاهی به روایت فیتزجرالد»، از فردین شیروانی و حسن شایگان؛
۹. «فیتزجرالد و ادبیات فارسی»، از اسماعیل زارع بهتش؛
۱۰. «رباعیات عمر خیام»، از احمد تمیم‌داری؛
۱۱. «فیتزجرالد، خیام و مشکل ترجمه شعر»، از مسعود خیام.

در بیشتر این مقاله‌ها درباره سه موضوع بحث شده است؛ نخست زندگی و شخصیت فیتزجرالد، دوم چگونگی آشنایی او با ادبیات فارسی و خیام و رباعیات او به کمک ادوارد کاول و در ادامه، چگونگی برگردان و ترجمه فیتزجرالد از رباعیات. بیشتر نویسندگان در مطلب سوم از اثر *ادوارد هرون آلن* بهره گرفته‌اند. آلن در این اثر به‌گونه‌ای تطبیقی، رباعیات ترجمه را با اصل رباعیات خیام سنجیده و روشن ساخته است که هر رباعی از چه مأخذ یا مأخذی گرفته شده و فیتزجرالد چه تغییراتی در آن‌ها داده است (نک. همان: ۱۱۴ و ۱۱۵).

این نمودار همچنین نشان می‌دهد که ادبیات فارسی در چه زمینه‌هایی از ادبیات کشورهای دیگر تأثیر پذیرفته و در چه زمینه‌هایی تأثیرگذار بوده است. نمودار نشان می‌دهد که شعر فارسی به مدد شاعران بزرگ خود، همواره بر ذهن و زبان شاعران بزرگ

کشورهای دیگر از جمله ویکتور هوگو، فیتزجرالد، فون‌هامر آلمانی، لانگ فلو، ویلیام جونز، بایرون، ژول مول، گوردون بایرون، جان ملکم، تنیسون، دوتاسی، راس، فالکنر و... کاملاً تأثیرگذار بوده است؛ اما در بخش ادبیات نوین، شدیداً تحت تأثیر ادبیات کشورهای غربی به خصوص در حوزه رمان و داستان‌نویسی نویسندگان فرانسوی و آمریکایی قرار گرفته است. این‌ها و مطالب ناگفته دیگر، همه و همه مواردی هستند که در مقوله ادبیات تطبیقی جای می‌گیرند. بدین لحاظ، ادبیات تطبیقی در دنیای مدرن امروزی، نقش و جایگاه بسیار مهم و ارزشمندی دارد و هیچ ملت و هیچ ادبیاتی از پرداختن به آن گزیری ندارد.

مقاله‌های بی‌شماری در بیان مقایسه شاعران و نویسندگان کشورهای مختلف نوشته شده است. نکته قابل تأمل در محتوای این دست از مقاله‌ها این است که صرف وجود شباهت میان آثار دو نویسنده، دلیل بر تأثیر و تأثر نیست؛ زیرا مرز مشخصی میان تأثیرپذیری و توارد ذهنی و فکری وجود ندارد، بلکه باید ثابت شود که نویسنده تأثیرپذیر آثار نویسنده دیگر را خوانده و از آن‌ها بهره‌مند شده است؛ بنابراین مقایسه صرف آثار و اندیشه‌های دو شاعر یا اندیشمند فقط به سبب تفاوت در زبان‌های آن‌ها در حوزه پژوهش‌های تطبیقی جای نمی‌گیرد.

همچنین مقاله‌های زیادی در بیان مقایسه خیام با جان میلتون انگلیسی و طه حسین یا فردوسی با هومر، یا مقایسه کمدی الهی دانتی با سیرالعباد سنایی و رساله الغفران معری نوشته شده‌اند که در پایان همه مقاله‌هایی که در این موضوعات نوشته شده‌اند، هیچ دلیل منطقی مبنی بر ارتباط آثار ذکرشده وجود ندارد و شباهت‌ها در کلیات است و در جزئیات تا حد زیادی با هم متفاوت هستند. واژه‌های شاید، به نظر می‌رسد، بعید نیست، احتمال می‌رود از کلمات پرتکرار این دست مقاله‌ها است.

از دیگر موضوعات مقاله‌های تطبیقی، تحقیق در داستان‌های تمثیلی - عرفانی و شرح سفر روح به عالم علوی است. سفر روحانی، درونمایه اصلی مثنوی سیرالعباد سنایی (۵۳۵ ق) و منظومه کمدی الهی سروده دانتی الیگیری (۱۳۲۱ م) است. با توجه به فضل تقدم سنایی بر دانتی و این‌که همه محققان گفته‌اند، مدرکی دال بر این‌که دانتی در کمدی الهی از سیرالعباد تأثیر گرفته باشد، به دست نیامده است. بنا به گفته غنیمی هلال هم دانتی و هم ابوالعلاء به انبوهی از نوشتجات ناموفق اسلامی پیرامون «معراج و اسراء» دسترسی داشته‌اند؛ اما در واقع آنچه مسلم



بوده، این است که اساس هر دو اثر کتاب مشهور «ارداویراف‌نامه» بوده است؛ نکته‌ای که بسیاری از نویسندگان این دست مقاله‌ها کمتر به آن توجه داشته‌اند.^۱ با وجود این، مقاله‌هایی شبیه به هم در این باره نوشته شده است که برخی از آن‌ها عبارت‌اند از:

۱. «سیری در سیرالعباد سنایی»، از بهاء‌الدین مجروح (۱۳۸۵)؛
۲. «سیری در سفرنامه‌های تمثیلی»، از رضا آزادپور (۱۳۸۵)؛
۳. «سیرالعباد سنایی غزنوی و کمدی الهی دانت»، از مریم مشرف (۱۳۸۶)؛
۴. «صراط‌های آسمان؛ مطالعه تطبیقی دو اثر عرفانی (سیرالعباد الی المعاد سنایی و کمدی الهی دانت)»، از حسن اکبری بیرق و الیاس بابایی (۱۳۸۸).

نکته مهم درباره مقالات پیش‌گفته این است که همه نویسندگان این مقاله‌ها، به شباهت‌های محسوسی در رابطه با *سیرالعباد سنایی* با *کمدی الهی* دانت اشاره کرده‌اند؛ حتی پیشتر نیکلسن، مستشرق انگلیسی، *سنایی را یک ایرانی پیشرو دانت می‌نامد*^۲ ولی با وجود این هیچ مدرکی دال بر تأثیرپذیری دانت از منابع اسلامی و شعر سنایی به دست ندادند و همه در حد احتمال است. در توجیه مشابهت میان مضامین *کمدی الهی* دانت و *سیرالعباد سنایی* می‌توان گفت از نوع توارد یا همسانی «صور نوعی» ناخودآگاه جمعی در پهنه گیتی مطابق نظریه کارل گوستاو یونگ است.^۳

۴. نتیجه‌گیری

مطالعه سیر ادبیات تطبیقی در ایران با ذکر آمار و ارقام، بینش عمیق‌تر و بهتری از وضعیت و جایگاه ادبیات تطبیقی در یک دوره خاص یا دهه‌های مختلف به دست می‌دهد. از آغاز پیدایش جدی این رشته در تحقیقات محققان ما، آثار و پژوهش‌های فراوانی به وجود آمده است که می‌توان با کنار هم قرار دادن آن‌ها تصویر درستی از ماهیت و روند این شاخه بسیار مهم، فعال و بارور علوم انسانی به دست آورد.

سیر مقالات ادب تطبیقی در ایران- که در این مقاله بدان پرداخته شده است- موضوعی است که تا به حال مورد ارزیابی و تحقیق قرار نگرفته است. یکی از وجوه و نتایج این تحقیق، سیر صعودی شمار مقاله‌هایی است که از سال ۱۳۳۰ تا سال ۱۳۹۰، شش پدید آمده‌اند و هرچه به سال‌های اخیر نزدیک‌تر می‌شویم، این روند رو به رشدتر است؛ دلایل عمده‌ای سبب

پیشرفت نسبی تحقیقات تطبیقی شده است که از آن جمله می‌توان به برگزاری همایش‌های ادبیات تطبیقی، تأسیس انجمن ادبیات تطبیقی، انتشار کتاب‌های دست اول ادب تطبیقی، انتشار چندین مجله دانشگاهی مستقل در موضوع ادب تطبیقی و برگزاری نشست‌های تخصصی ادبیات تطبیقی در مراکز ادبی و محافل علمی کشور اشاره کرد. گفتنی است تحلیل مقاله‌های ادب تطبیقی نشان داد که شعر فارسی به قوت شاعران طراز اول خود، به‌طور مستقیم و یا با واسطه، همواره بر ذهن و زبان شاعران بزرگ جهان از جمله ویکتور هوگو، فیتزجرالد، فون‌هامر آلمانی، لانگ فلو، ویلیام جونز، بایرون، ژول مول، گوردون بایرون، جان ملکم، تینسون، دوتاسی، راس، فالکنر و دیگران تأثیرگذار بوده است و نیز در بخش ادبیات نوین، تحت تأثیر ادبیات کشورهای غربی به‌خصوص در حوزه رمان و داستان‌نویسی نویسندگان فرانسوی و آمریکایی قرار گرفته است.

کارنامه ادبیات تطبیقی با توجه به آنچه در بخش‌هایی از این مقاله نشان دادیم، در بسیاری از آثار انجام‌شده، شاهد موزی‌کاری و پژوهش‌های تکراری و موضوعات شبیه به هم است؛ ازین رو شناخت و دسترسی پژوهشگران به تحقیقات پیشینیان در قالب کتاب‌شناسی ادبیات تطبیقی امری ضروری به نظر می‌رسد.

۵. پی‌نوشت‌ها

1. Saint Beuve
2. Jules Mohl
۳. ر.ک: حدیدی، جواد (۱۳۷۹)، «شیوه‌های پژوهش در ادبیات تطبیقی»، مجله پژوهش ادبیات معاصر جهان، شماره ۸ (بهار و تابستان)، صص ۶-۱۱.
۴. برای تحقیق در باب تأثیر و نفوذ شاهنامه فردوسی در ادبیات جهان به کتاب‌ها و مقاله‌های زیر می‌توان مراجعه کرد:
 - «شاهنامه و زبان ارمنی» به قلم فردریک ماکلر در مجله آسیایی، صص ۵۴۹-۵۵۹.
 - «فردوسی و شاعران جهان» (۱۳۱۳)، از سعید نفیسی، چاپ‌شده در مجله فردوسی‌نامه مهر، صص ۴۶۵-۴۷۲.
 - «انتقاد دانشمندان ایرانی راجع به فردوسی» از فاطمه سیاح، فردوسی‌نامه مهر، صص ۶۷۳-۶۸۲.
 - صفا، ذبیح‌الله (۱۳۷۹)، حماسه‌سرایی در ایران. تهران: امیرکبیر.
 - کتاب‌شناسی فردوسی، از ایرج افشار.



۵. برای اطلاع بیشتر راجع به شباهت‌ها و تفاوت‌های حماسه‌های *ایلیاد* و *اودیسه* با *شاهنامه* فردوسی رک:
- امیدسالار، محمود «هلن و هجیر، فردوسی و هومر». (۱۳۸۷)، نشریه فرهنگ مردم، شماره‌های ۲۴ و ۲۵، صص ۲۳-۴۵.
۶. رک: نیکلسون، «سنایی، پیشرو ایرانی دانتته». ترجمه عباس اقبال، مجله یادگار، شماره ۴، صص ۴۸-۵۷.
۷. یونگ که مطالعات خود را بیشتر در بخش ناخودآگاه ذهن متمرکز کرده بود، برای آن دو گونه در نظر گرفت: ناخودآگاه فردی و ناخودآگاه جمعی. به عقیده او ناخودآگاه جمعی میراثی است از دوره‌های نخستین زندگی بشر که در حافظه تاریخی انسان‌ها ثبت شده است و همه مردم در آن سهیم هستند (نک. شمیسا، سیروس (۱۳۷۸)، *نقد ادبی*، چاپ دوم، تهران: فردوس).

۶. منابع

- اسلامی ندوشن، محمدعلی (۱۳۴۹). *زندگی و مرگ پهلوانان در شاهنامه*. ج ۳. تهران: توس.
- امیدسالار، محمود «هلن و هجیر، فردوسی و هومر» (۱۳۸۷). *نشریه فرهنگ مردم*. ش ۲۴ و ۲۵.
- انوشیروانی، علیرضا (۱۳۸۹ الف). «چالش‌های ادبیات تطبیقی در ایران». *ویژه‌نامه ادبیات تطبیقی* (فرهنگستان زبان و ادب فارسی). د ۱. ش ۲ (پاییز). صص ۲-۷.
- (۱۳۸۹ ب). «آسیب‌شناسی ادبیات تطبیقی در ایران». *ویژه‌نامه ادبیات تطبیقی* (فرهنگستان زبان و ادب فارسی). د ۱. ش ۲ (پاییز). صص ۳۲-۵۵.
- (۱۳۸۹ ج). «ضرورت ادبیات تطبیقی در ایران». *ویژه‌نامه ادبیات تطبیقی* (فرهنگستان زبان و ادب فارسی). د ۱. ش ۱ (بهار). صص ۶-۳۹.
- آرنولد، ماتیو (۱۳۵۴). *سهراب و رستم*. ترجمه منوچهر امیری. ج ۲. شیراز: دانشگاه شیراز.
- آیت‌الله‌زاده شیرازی، مرتضی (۱۳۶۲). «ادبیات تطبیقی، تعریف و موضوع». *مقالات و بررسی‌ها* (دانشگاه تهران) ش ۳۸ و ۳۹. صص ۸۵-۱۰۴.
- بزرگ‌چمی، ویدا (۱۳۸۷). «کلّیت ادبیات تطبیقی». *نامه انجمن*. ش ۳۰. صص ۱۴۱-۱۵۶.

- حسن‌لی، کاوس و سعید حسام‌پور (۱۳۸۸). «کارنامه‌ی خیام‌پژوهی در سده‌ی چهاردهم». *پژوهش‌نامه‌ی زبان و ادبیات فارسی*. ش ۱۴ (پاییز). صص ۱۰۰-۱۲۵.
- داود پوتا، عمر محمد (۱۳۸۲). *تأثیر شعر عربی بر تکامل شعر فارسی*. ترجمه‌ی سیروش شمیسا. تهران: صدای معاصر.
- محفوظ، حسینعلی (۱۳۷۷). *متن‌بی و سعدی و مآخذ مضامین سعدی در ادبیات عربی*. تهران: روزنه.
- هنرمندی، حسن (۱۳۵۱). *سفری در رکاب اندیشه (از جامی تا آراگون)*. تهران: گوتنبرگ.
- ساجدی، طهمورث (۱۳۷۷). «نقد کتاب ادبیات تطبیقی غنیمی هلال». *زبان و ادب*. ش مسلسل ۵ (زمستان). صص ۱۳-۲۴.
- کویاجی، جهانگیر کوورجی (۱۳۶۲). *آیین‌ها و افسانه‌های ایران و چین باستان*. ترجمه‌ی جلیل دوستخواه. چ ۲. تهران: شرکت سهامی کتاب‌های جیبی.
- ساجدی، طهمورث (۱۳۸۷). *از ادبیات تطبیقی تا نقد ادبی*. تهران: امیرکبیر.
- صابری فومنی، کیومرث (۱۳۵۷). *آغاز آشنایی ایرانیان با زبان فرانسه*. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد ادبیات تطبیقی. به راهنمایی محمدتقی غیاثی. تهران: دانشگاه تهران.
- غنیمی هلال، محمد (۱۳۷۳). *ادبیات تطبیقی (تاریخ و تحول، اثرپذیری و اثرگذاری فرهنگ و ادب اسلامی)*. ترجمه و تحشیه و تعلیق از سیدمرتضی آیت‌الله‌زاده شیرازی. تهران: امیرکبیر.
- مینوی، مجتبی (۱۳۳۳). *پانزده گفتار*. تهران: دانشگاه تهران.
- مقدادی، بهرام (۱۳۷۸). *کیمیای سخن (پانزده گفتار درباره‌ی ادبیات ایران و جهان)*. تهران: هاشمی.
- گوینارد، ام. اف (۱۳۷۴). *ادبیات تطبیقی*. ترجمه و تکمله‌ی علی‌اکبر خان‌محمدی. تهران: پاژنگ.
- نجفی، ابوالحسن (۱۳۵۱). «ادبیات تطبیقی چیست؟». *مجله‌ی آموزش و پرورش (تعلیم و تربیت)*. ش ۱۳۰ (فروردین). صص ۴۳۵-۴۴۸.
- یوحنا، جان‌دی (۱۳۸۵). *گستره‌ی شعر پارسی در انگلستان و آمریکا*. ترجمه‌ی احمد تمیم‌داری. تهران: روزنه.